برنامه سمت خدا

موضوع برنامه: هنر خوب زیستن

كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی

تاريخ پخش: 19-07-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

عشق هر روز به تکرار تو برمی‌خیزد \*\*\* اشک هر صبح به دیدار تو برمی‌خیزد

ای مسافر به گلاب نگه‌ام خواهم شست \*\*\* گرد و خاکی که ز رخسار تو برمی‌خیزد

مگر ای دشت عطش نوش چه گناهی داری \*\*\* کاسبان نیز به انکار تو برمی‌خیزد

مگر آن دست چه بخشید به آغوش فرات \*\*\* که از آن بوی علمدار تو برمی‌خیزد

پاس میدارمت ای باغ که هر روز بهار \*\*\* به تماشای سپیدار تو برمی‌خیزد

ای که یک قافله خورشید به خون آغشته \*\*\* بامداد از لب دیوار تو برمی‌خیزد

کیستم من که به تکرار غمت بنشینم \*\*\* عشق هر روز به تکرار تو برمی‌خیزد

شریعتی: «السلام علیک یا أباعبدالله» سلام می‌کنم به همه دوستان خوبم، خانم‌ها و آقایان، بیننده‌ها و شنونده‌های بسیار نازنین‌مان. انشاءالله هرجا که هستید خدای متعال پشت و پناه شما باشد. آقای دکتر لقمانی سلام علیکم و رحمة الله.

حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. امیدوارم سالم و سربلند و سعادتمند باشند.

شریعتی: امروز هم دوستان خوب ما منتظر هستند که از سبک زندگی از لسان شما بشنوند.

حاج آقای لقمانی:

زندگی زیباست ای زیبا پسند \*\*\* زنده اندیشان به زیبایی رسند

آنقدر زیباست این بی بازگشت \*\*\* کز برایش می‌توان از جان گذشت

به لطف خداوند ما فراز اول صحبت‌مان را در مورد آرزوهای زندگی تحت عنوان هنر خوب زیستن پشت سر گذاشتیم. روایتی که شخصی خدمت پیامبر اکرم آمد و سؤال کرد: یا رسول الله! دوست دارم خدا مرا دوست داشته باشد. مردم هم مرا دوست داشته باشند. وضع مالی من خوب شود. بدنم سالم و عمرم طولانی شود و با شما محشور و همنشین شوم. پیامبر فرمودند: اگر می‌خواهی خدا تو را دوست داشته باشد، 1- تقوا داشته باشد 2- خوف از خداوند. همه‌جا خدا را ناظر بدان. اگر می‌خواهی مردم تو را دوست داشته باشند. احسان و نیکی و احترام به مردم کن و هیچ نگاهی به دست و دارایی مردم نداشته باشد. اگر می‌خواهی وضع مالی‌ات خوب شود، حقوق واجب مالی‌ات را ادا کن. اگر می‌خواهی بدنت سالم باشد زیاد صدقه بده. اگر می‌خواهی عمرت طولانی شود، صله رحم کن. اگر می‌خواهی با من رسول خدا محشور شوی، سجده‌هایت را طولانی کن. این شش فراز برای این بود که چه بخواهیم؟ الآن وارد روایت بعدی از پیامبر می‌شویم که چگونه بخواهیم؟ خود خواستن روش دارد. چگونه وارد شدن و چگونه جستجو کردن، گاهی انسان شصت سال به دنبال سراب است. فکر می‌کند آب می‌جوید ولی وقتی روش را بداند، بحث ما را دنبال کند و فراز به فراز مرور کند آنوقت می‌داند چقدر می‌تواند از وقتش استفاده کند و اتلاف وقت نداشته باشد.

زندگی و سبک زندگی مخصوصاً از نوع آرامش‌دار، چیزی بوده که تمام انبیاء به دنبال این بودند برای ما ترسیم کنند. آیات قرآن را که مرور می‌کنیم «إِنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا» (محمد/36) «يَعْلَمُونَ‏ ظاهِراً مِنَ الْحَياةِ الدُّنْيا» (روم/7) تمام ترسیم زندگی دنیاست. چگونه زندگی کردن، فلسفه بعثت انبیاء همین مسأله است. شیوه زندگی! شصت سال، هفتاد سال ما بیراهه نرود. امامت امامان هم همین است. لذا گاهی موارد در آیات و روایات و سخنان معصومان، عجله و شتاب برای خیرات هست. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرات‏» (بقره/148) «وَ سارِعُوا إِلى‏ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُم‏» (آل‌عمران/133) «عجلوا بالصلاة» در مواردی که انسان شارژ هست، کوک هست، «لا تقولوا»، «لا تفعلوا»، «لا تقربوا»، «لا تقولَنَّ» نهی می‌شود. در دو مورد همه ما انسان‌ها پاشنه آشیل و نقطه ضعف داریم. «وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنى‏» (اسراء/32) نزدیک نشوید، با یک شوخی، با یک نگاه، در مسائل اقتصادی همه ما نقطه ضعف داریم. «وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيم‏» (انعام/152) نزدیک به مالی نشوید که شیطان شما را وسوسه کند. سرعت گیر است، آنجا سرعت را زیاد می‌کنیم، سرازیری برو. زندگی چیست؟ زندگی هدیه‌ی خداوند به انسان است. پس سبک زندگی هدیه انسان به خداوند است. هدیه چیست؟ هدیه چیزی است که بنده به شما بدهم و شما با میل و سلیقه و انتخاب برداری. یادگاری شود، دوست دارم همیشه برای شما باشد. این هدیه است. سبک زندگی چطور؟ سبک زندگی باید همین ویژگی‌ها را داشته باشد، ولی گاهی انسان شصت سال، هفتاد سال این هدیه را از خدا می‌گیرد و بعد چه پس می‌دهد؟ خدای نکرده تیرگی و تباهی و سیاهی.

جمعی خدمت آیت الله بهاءالدینی بودیم. یک نفر از علما گفت: حاج آقا یک توصیه به ما بفرمایید. ایشان فرمودند: بفهمید در زندگی چه می‌کنید! جان مایه‌ی تمام آیات و روایات همین است. «الفقه هو الفهم» فقیه کیست؟ فهیم است. بصیر کیست؟ فهیم است. ما دانشمند کم نداریم، بینش‌مند کم داریم. لذا حضرت مهدی(ع) که ظهور می‌کند اولین کاری که در جمعه ظهور می‌کنند، توسعه سیاسی نیست. توسعه اقتصادی نیست. توسعه‌ی عرفانی نیست. توسعه‌ی علمی نیست. توسعه‌ی عقلانی است. عقل که بالا رفت، فهم زیاد می‌شود. فریادهای ظاهری انسان کم می‌شود ولی عمق پیدا می‌کند. اشتباه هم نمی‌کند. لذا عمر شریف پیامبر 63 سال بود و یکبار ایشان نگفت: عجب! چه اشتباهی کردیم!؟ یکبار نگفتند: ای کاش! ما می‌توانیم برسیم؟ بله. معرفت و فهم که بالا رفت اشتباهات انسان کم می‌شود. کم کم گاهی چهل روز می‌گذرد، یک اشتباه نمی‌کند. یک گناه نمی‌کند.

یک نفر نزد یکی از عالمانی که چشم بصیرت داشت، رفت. گفت: مگر می‌شود انسان گناه نکند؟ ایشان فرمود: بنده چهل روز است گناه نکردم! الآن هم جوانانی را می‌شناسم به اندازه یک، دو، سه روحانی، روحانیت و معنویت دارند. چون مراقب هستند و بینش و فهم دارند و قدر خودشان را می‌دانند. وقتی انسان قدر خودش را دانست زندگی را مثل یک بستنی می‌داند. زندگی مثل یک بستنی است. پیش از آنکه آب شود باید از آن لذت برد. صبح تا شب شادی و تفریح، ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند که من قهقه بخندم! نیاز هست ولی چه مقدار. دسته دوم هم این است، زندگی و تلاش و کوشش. مثل یک قفل رمزدار باید رمزش را پیدا کنیم تا بتوانیم قفل را باز کنیم. باید سریع و تند جواب داد.

نگاه سوم، زندگی مدرسه‌ای است با دو زنگ، زنگ اول دینی، آخرین زنگ حساب. در این مدرسه نود دقیقه درس می‌خوانیم و بعد بیست دقیقه تفریح! چقدر زیباست. تفریح و شادی و خنده و خوردن و پوشیدن داریم. اما به اندازه! بعد از اینکه یک ساعت تحصیل کردیم، بیست دقیقه هم تفریح می‌کنیم. وقتی انسان هدفمند شد و مرز و معیار و حدود و حریم داشت، بالا می‌آید و فهم پیدا می‌کند. خانواده‌های عادی که با یک خانواده والا وصلت می‌کنند، همسایه می‌شوند،    شراکت پیدا می‌کنند، اینکه توصیه می‌کنند حتماً هفته‌ای یک برنامه مذهبی داشته باشید، بخاطر همین است. یعنی رشد پیدا می‌کنید. عوامانه زندگی نکنید. همه ما نیاز داریم.

وقتی انسان همه چیز را مثل بستنی خواست لذت ببرد، انباشت ثروت، عنوان و مقام، گاهی مواقع طمع با انسان چه می‌کند. چند سال قبل که دولت وقت خواست یارانه را ثبت نام کند، بعد گفتند: خوشه، طبق خوشه یارانه می‌دهیم. یک بنده خدایی وضعش خیلی خوب بود. تا خبر دار شد، گفت: چه کنم تمام این یارانه را از دولت بگیرم؟ فکر کرد و به این نتیجه رسید. من تمام موجودی و دارایی‌ام را به نام اهل خانواده بزنم. بگویم: هیچی ندارم که این یارانه را بگیرم. تمام موجودی را به نام خانم زد. سیصد میلیون را به نام خانم زد. مغازه را به نام بهروز و باغ را به نام شهروز زد. گذشت و دولت اعلام کرد ما همه را یکسان می‌دهیم. نتوانستیم قضیه را جمع کنیم. ماه اول دید خیلی چسبید. ماه دوم موعد چک‌هایش فرا رسید. آمد به خانم گفت: این را به نام من کن موعد چک‌ها رسیده است. خانم گفت: حاجی من پیری و کوری دارم! برو از بچه‌ها بگیر. طمع! ضرب المثلی هست گاهی انسان روی زمین خم می‌شود صد تومانی را بردارد، ده هزار تومان از جیبش می‌افتد. گاهی اینطور است. نزد پسرش رفت گفت: مغازه را به من بده! گفت: بابا گیر نده! ایشان پای دریا از تشنگی دق کرد و مرد! زندگی مثل بستنی است. باید عقل و فهم داشته باشیم.

یکی از عزیزان حوزه علمیه قم می‌گفت، وقتی برای یارانه‌ها ثبت نام می‌کردند، بعضی مراجع فتوا دادند کسانی که می‌توانند یارانه نگیرند و این خرج کشور شود. نزد یکی از مراجع رفتم، به قرآن پناه بردم. قرآن را باز کردم. این آیه آمد «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ‏ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِح‏» (هود/46) ای فرزند نوح، این برای تو نیست. اگر بگیری کار غیر صالحی انجام دادی. قرآن را بوسیدم و کنار گذاشتم و گفتم: خدایا من به حرف تو گوش می‌دهم. تو هم به حرف من گوش بده و جبران کن. سه روز بعد، سه برابر به درآمدم اضافه شد. ده روز بعد هفت برابر شد. به یک ماه نرسید که ده برابر جایگزین شد. چون به حرف خدا گوش دادم. زندگی مدرسه‌ای است با دو زنگ، زنگ اول دین، انسان مکلف می‌شود. آخرین زنگ حساب است، موقع مرگ! وقتی انسان زندگی را اینطور دید. مراقب گفتار و رفتار و پندارش هست. آنوقت ببینید چه زندگی نورانی پیدا می‌کند. سبک زندگی!

شریعتی: این فهمی که از آن صحبت می‌کنیم فهم اکتسابی است. یعنی باید دنبالش باشیم بدست آوریم یا اینکه یک مسیری را طی می‌کنیم و این فهم خود به خود به سمت ما می‌آید؟

حاج آقای لقمانی: اکتسابی است ولی گاهی در یک نشست و گفتگو یک جمله و یک جرقه، گاهی یک دعا، بعداً خواهیم گفت که چقدر انسان می‌تواند از فرصت‌ها استفاده کند ولی طبیعتاً ما باید دغدغه خاطر خوب بودن را داشته باشیم. هنر خوب زیستن، نه خوش زیستن! در خوب زیستن خوشی هم هست. تفریح و شادی هم هست. عمیق هم هست. منتهی گاهی با خنده نیست، با قهقهه نیست. در درون انسان شاد است.

آن یکی در کنج مسجد مست و شاد \*\*\* وان دگر در باغ ترش و بی مراد

در باغ است اما دل شاد نیست. راه شادی از درون دان نه از برون! اشتباه ما همین است. فکر می‌کنیم باید خوب‌تر باشیم و خوشبخت‌تر باشیم ولی هرچه می‌دویم نمی‌رسیم. خبرنگاری از انسان فرهیخته‌ای پرسید: بزرگترین آرزوی فرو خورده‌ی شما چیست؟ یعنی ده سال، پانزده سال این آرزو را دارید. ایشان گفت: صادقانه بگویم. تا کنون آرزوی فرو خورده نداشتم. این جمله را تقدیم می‌کنم به عزیزانی که آغاز زندگی هستند. صادقانه بگویم: تا کنون آرزوی فرو خورده نداشتم. با خودم صادق بودم. به مقدار امکانات از خودم انتظار داشتم. خوشبختی چیست؟ تنظیم انتظارات با امکانات! گاهی یک نفر یک چرخ دستی دارد و میوه می‌فروشد و خوشبخت است. یک نفر چه ساختمانی دارد و چه وضعیتی دارد اما شاد نیست. تنظیم انتظارات با امکانات! وقتی انسان به گذشته نگاه می‌کند شکر کند. خدا را در زندگی ببیند. نگاه به الآن می‌کند توکل کند. نگاه به آینده می‌کند، امید به خدا داشته باشد و بزرگترین مشکلی که در زندگی داریم اعتقاد به خدا داریم ولی اعتماد نداریم. اگر اعتقاد همراه با اعتماد باشد، سبک زندگی آرام و آسان پیدا می‌کنیم.

شریعتی: سطر به سطر کلام شما را که دنبال می‌کنم، احساس می‌کنم واقعاً نیاز به همان بینش و نوع نگرش به دنیا داریم که اگر این نوع نگاه اصلاح شود خیلی از مشکلات ما حل می‌شود.

حاج آقای لقمانی: «قُلْ‏ تَعالَوا» (انعام/151) بیایید بالا، وقتی انسان پای قله باشد، سنگ ریزه‌ها را درشت می‌بیند. وقتی بالا رفت قلوه سنگ‌ها را ریز می‌بیند. تفاوت عقاب با کلاغ چیست؟ کلاغ برای اینکه خیس نشود زیر سقف می‌رود ولی عقاب بالای ابرها می‌رود. این تفاوت را از ما خواستند. این نگاه را خواستند. وقتی انسان اینطور بالا آمد و نگاهش اینطور شد، هر چیزی را سر جای خودش می‌بیند. معصومین با سخنانشان آمدند ما را به اینجا برسانند. روایتی که پیامبر اول در مورد آسان بودن زندگی صحبت می‌کند. معصوم و عقل کل می‌گوید: ما دلمان می‌خواهد شما آسان و آرام زندگی کنید. هرچه خطا و اشتباه هست برای ماست و هرچه خوبی است برای خداوند است. پیامبر فرمود: من و انبیاء از تکلف بیزار هستیم. تکلف چیست؟ خود را به خاطر چشم دیگران به زحمت و سختی انداختن. چند درصد خانواده الآن اسیر هستند؟ تجمل، تفاخر، به رخ کشیدن‌ها، علتش این است که ما از این مسیر دور شدیم. علتش این است که ما فکر کنیم مبل ما که خوب باشد، تلویزیون اینطور باشد ما محبوبیت پیدا می‌کنیم. در حالی که دلها به دست خدای متعال است. گاهی خدا با یک نگاه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا» (مریم/96) به زودی در دلها محبت شدید ایجاد می‌کند. این خیلی مهم است.

چند نکته در مورد آسان بودن بگویم. پیامبر هم فرمودند و لازم هست بگویم فلسفه‌ی آیات قرآن در زندگی همین است که ما هم قدر خودمان را بدانیم و هم عبد و عبید مسائل زندگی نشویم. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْر» (بقره/185) شما راحت باشید. در آسایش باشید. اگر تکلیف را تکلیف گویند، یعنی از کلفت و سختی به خاطر این است که انسان انجام می‌دهد و در دراز مدت لذتش را می‌برد. لذا بنده کار کردم چون کار اصلی من تحقیق و نویسندگی است، میانبر راه ترین راه‌ها بندگی است. هرچه انسان بخواهد راه‌های میانبر غیر از این مسیر را برود، راه طولانی‌تر می‌شود. سخت‌تر می‌شود. راه میانبر برای رسیدن به تعالی و تکامل حتی دنیا، «یا دنیا اخدمی من خدمنی» خداوند به دنیا خطاب می‌کند: دنیا در خدمت کسی باش که در خدمت من است. کارهایش را آسان کن. برایش مشکلی ایجاد نکن. تا حالا شده بنده و شما نزدیک اذان ظهر در اداره‌ای کار داشته باشیم، بگوییم: کارمان را انجام بدهیم و بعد نماز می‌خوانیم.    می‌رویم و اتفاقاً کارمان انجام نمی‌شود و وقت نماز هم باید حرص بخوریم و قدم بزنیم و معطل شویم. برداشت دوم هم اینکه نماز بخوانم و خدا خودش درست می‌کند. نماز که می‌خوانم کارمندی که چهار ساعت نبود، می‌رسد و کارم انجام می‌شود. هردو را تجربه کردم. تو رزق حلال بخواه، من زیاد به تو می‌دهم! «و اتعبی من خدمک» به سختی بیانداز کسی که در خدمت تو بود. صبح تا شب فکر پول است. بعضی هستند سر سفره فکر پول هستند. این فرزندان هم از پدر یاد می‌گیرند، تو که می‌خواستی زرنگ بازی دربیاوری، من زرنگ‌تر از تو هستم. عزیزی فرهنگی بود. می‌گفت: حقوقم که می‌گیرم قسط و بدهی می‌دهم و با برکتش یک زندگی آبرومند دارم. آرام هست. برادرش تاجر است اما درگیر است. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْر»، «وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ» (قمر/17) ما قرآن را برای شما آسان کردیم. «ثُمَ‏ السَّبِيلَ‏ يَسَّرَه‏» (عبس/20) ما راه را برای شما آسان قرار دادیم. سهولت، نمی‌توانی ایستاده بخوانی، نشسته بخوان. نمی‌توانی خوابیده نماز بخوان. نمی‌توانی وضو بگیری، تیمم کن. «وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ‏ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل‌عمران/159) اگر سخت بودی، خشن بودی، از دور تو پراکنده می‌شدند. «فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُم‏» (آل‌عمران/159) خدا یک دل مهربانی به تو داد.

یک جمله هست من یادداشت کردم که جلوی چشم من باشد و یادم باشد. پیامبر فرمودند: من نیامدم که سخت‌گیری کنم. اشکال تراشی کنم، بلکه آمدم مهربانی کنم. چه مهربان پیامبری داریم! سؤال کردند: یا رسول الله! شما زیباتر هستید یا برادر شما حضرت یوسف؟ ایشان فرمودند: او از من زیباتر بود. ولی من با نمک‌تر هستم. خوش اخلاق‌تر و خوشمزه تر و ملیح‌تر هستم. یک نفر یک آدرس و نشانی می‌خواهد، بده. یک مشاوره دارد، انجام بده. «فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُم‏» قلب تو را آرام کرد. این عکسی که نسبت به پیامبر می‌دهند که مربوط به سن 18 سالگی است. تا این عکس را به رهبر کبیر انقلاب دادند، ایشان روشنفکر بازی درنیاوردند، عکس را پرت کنند. بوسیدند و بالای سرشان نصب کردند که اگر پایشان درد گرفت رو به این عکس نباشد. طبق شمایل پیامبر این عکس را ترسیم کردند. همیشه یک لبخند ملیحی روی لب‌های پیامبر بود. مهربانی و آسان گیری!

پیامبر فرمودند: «أَ لا أُخْبِرُكُمْ» آیا من به شما خبر ندهم که بهترین شما کیست؟ فرمودند: کسی که ملایم باشد. نرم باشد. راحت جوش بخورند و آسان گیر باشند. همسر پیامبر نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله! بعضی از زنان را در مدینه دیدم که از دست شوهرانشان ناراحت هستند. چرا؟ بعضی می‌گویند: شوهر ما عطر نمی‌زند. یک عده می‌گویند: شوهر ما به ما نزدیک نمی‌شود. یک عده می‌گویند: شوهر ما گوشت نمی‌خورد. هنوز موقع نماز نبود. پیغمبر یک طرف عبایش به زمین می‌کشید و آشفته به طرف مسجد رفتند. فرمودند: بگویید الصلاة! همه آمدند. ساعت ده صبح بود. پیامبر روی منبر نشستند و فرمودند: من که پیامبر شما هستم و از طرف خداوند مبعوث شدم، کنار زنانم می‌روم، گوشت می‌خورم. عطر می‌زنم. در دین سختی و تلخی نداریم.

بعضی از مذهبی‌های ما، متأسفانه کسانی که وسواس دارند، اولین صدمه را به خودشان می‌زنند. بعد به دیگران می‌زنند و زجر می‌کشند. ولی اگر طبق چیزی که شرع گفته عمل کنیم، تکلف نباشد، خود درگیری نباشد، یک زندگی بسیار آرامی خواهیم داشت.

شریعتی: انشاءالله خودمان را نزدیک کنیم به تمام قله‌هایی که تمام انبیاء مخصوصاً نبی مکرم اسلام و اهل‌بیتشان دوست داشتند ما به آنجا برسیم. این هفته در مورد شخصیت مفسر بزرگ قرآن کریم، مرحوم طبرسی صحبت می‌کنیم. صاحب تفسیر گران سنگ مجمع البیان، دیروز هم کتاب تاریخ چهارده معصوم ایشان را در برنامه معرفی کردیم. دوستان برای تهیه کتاب‌ها به 20000303 پیامک بدهند و انشاءالله دوستان ما با آنها تماس خواهند گرفت و خواهند گفت: چگونه می‌توانند کتاب‌ها را تهیه کنند. امروز صفحه 104 قرآن کریم، آیات 163 تا 170 سوره مبارکه نساء تلاوت می‌شود. روزهای چهارشنبه ما منور و مزین به نام امام رضا(ع) است. چه خوب است که ثواب تلاوت آیات را به حضرت رضا(ع) هدیه کنیم. روزهای چهارشنبه که برای ما یادآور صلوات خاصه حضرت هست و همه دوستانی که مشهد الرضا هستند دعا گوی همه سمت خدایی‌ها و مردم عزیز ما باشند.

«إِنَّا أَوْحَيْنا إِلَيْكَ كَما أَوْحَيْنا إِلى‏ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنا إِلى‏ إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ عِيسى‏ وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هارُونَ وَ سُلَيْمانَ وَ آتَيْنا داوُدَ زَبُوراً «163» وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسى‏ تَكْلِيماً «164» رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً «165» لكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِما أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَ الْمَلائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَ كَفى‏ بِاللَّهِ شَهِيداً «166» إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلالًا بَعِيداً «167» إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً «168» إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خالِدِينَ فِيها أَبَداً وَ كانَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً «169» يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْراً لَكُمْ وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ كانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً «170»

ترجمه: (اى پيامبر!) ما به تو وحى كرديم، آن گونه كه به نوح و پيامبران پس از او وحى كرديم. و (همچنين) به ابراهيم، اسماعيل، اسحاق، يعقوب، اسباط (/ فرزندان يعقوب)، عيسى، ايّوب، يونس، هارون و سليمان وحى كرديم و به داود، «زبور» داديم. وبه پيامبرانى كه پيش از اين داستان آنان را برايت باز گفته‏ايم وپيامبرانى كه ماجراى آنان را براى تو نگفته‏ايم نيز وحى كرديم و خداوند با موسى سخن گفت، سخن گفتنى ويژه. پيامبرانى (را فرستاديم) كه بشارت‏دهنده و بيم‏دهنده بودند، تا پس از پيامبران، براى مردم بر خدا حجّتى نباشد و خداوند همواره شكست‏ناپذير و حكيم است. (گرچه كفّار، بهانه مى‏گيرند) ولى خداوند، به آنچه بر تو نازل كرده گواهى مى‏دهد، كه به علم خود بر تو نازل كرد و فرشتگان نيز (بر حقّانيت تو) شهادت مى‏دهند و گواهى خداوند (براى تو) كافى است. قطعاً كسانى كه كافر شدند و (با القاى شبهه و تهمت و تحقير) مردم را از راه خدا باز داشتند، به تحقيق گمراه شدند، گمراهى دور (از نجات). همانا كسانى كه كافر شدند و ستم كردند، خداوند بر آن نيست كه آنان را بيامرزد و به راهى هدايتشان كند. مگر به راه جهنّم، كه براى هميشه در آن ماندگارند و اين (عذاب و كيفر) بر خداوند آسان است. اى مردم! همانا پيامبر از سوى پروردگارتان همراه با حقّ (قرآن) براى شما آمده است. پس ايمان بياوريد كه براى شما بهتر است و اگر (ناسپاسى كرده و) كفر ورزيد پس (بدانيد كه) آنچه در آسمان‏ها و زمين است از آن خداست و خداوند، دانا و حكيم است.

شریعتی: در این هفته‌های اخیر که روزهای پنجشنبه ما مزین به حضور استاد سفر کرده ما حاج آقای مهندسی(ره) است، خیلی از دوستان از مباحث استقبال کردند، دورانی بوده که ما جوان بودیم و صحبت‌های دلنشین مرحوم مهندسی. این روزها را از دست ندهید و حتماً از بیانات نورانی و دلنشین ایشان استفاده کنید. اشاره قرآنی را بفرمایید.

حاج آقای لقمانی: آیه 164 سوره نساء می‌فرماید: «وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسى‏ تَكْلِيماً» کلام! واژه کلام را من مراجعه کردم به معنای زخم است. تأثیرگذاری و تأثیر پذیری، یک جمله‌ی بسیار فاخری امیرالمؤمنین می‌فرماید: انسان دو ویژگی دارد. خِرد و سخن. با خرد بهره می‌ستاند و با سخن بهره می‌رساند. چقدر زیبا است. انسان‌ها این ویژگی را دارند اگر بتوانند خوب استفاده کنند و بهره بستانند و بهره برسانند. من یک قضیه در مورد کلام بگویم. بهشت حرام است بر هر کسی که بد و زشت سخن می‌گوید.

یک مسابقه فوتبال مقابل جمعیت چند ده هزار نفری، بعضی از تماشاگر نماها به داور فحش دادند. دیدند این مرد محترم بلند بلند شروع به گریه کرد. فحش به مادرش دادند. چرا باید زبان انسان اینطور باشد؟ یکی از منافقین به منزل یکی از علمای قم زنگ زد. دختر کوچکش گوشی را برداشت. گفت:ما پدرت را کشتیم. پشت تلفن بچه دق کرد و مرد! چرا ما اینطور هستیم. گاهی زبان هم می‌تواند هم راه بهشت را برای انسان باز کند، اینقدر مفید باشد. پیامبر اسلام در روایتی فرمودند: «لَو لَا تَکثیرٌ فِی کَلَامِکُم وَ تَمریجٌ فِی قُلُوبِکُم» کلام مشکلی ندارد، قلب هم مشکلی ندارد. این تکثیر در کلام است. زیاده گویی‌ها، پراکنده گویی‌ها، بعضی ذهنشان مثل درختی است که هر لحظه گنجشک روی آن می‌نشیند و بلند می‌شود و بعضی آرامش دارند. اگر اینقدر زیاد حرف می‌گیرد «تمریجٌ فی قُلُوبکُم» دلهایتان تَمریج، چراگاه نباشد. علمای اخلاق می‌فرمایند: در خیابان که می‌روید به هر ویترین مغازه‌ای نگاه نکنید. هر ماشینی دیدی نگویی: آخ! «تمریجٌ فی قُلُوبکم» در دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، گاهی در جلسات، بعضی از مهمانی‌ها شش ساعت طول می‌کشد و کلماتی که گفته می‌شود هیچ ربطی ندارد و فقط دل آشوب کن هستند. «درختی در لرستان سر بریدند کلنگی از آسمان افتاد و نشکست که از بوی دلاویز تو مستم!» هیچ ربطی به هم ندارد. خوب است که انسان گاهی برای خودش نهی کند. بگوید: من روزی پنج دقیقه بیشتر در فضای مجازی نمی‌روم!

پیامبر فرمودند: اگر دلت اینقدر فرودگاه هوس‌ها و افکار مختلف نبود، «لَرَأیتُم مَا أرَى وَ لَسَمِعتُم مَا أسمَع» می‌دیدی آنچه من می‌دیدم. تصور کنید ما در منزل حضور فرشتگان را احساس کنیم. چه می‌شود؟! «وَ لَسَمِعتُم مَا أسمَع» کلام وحیانی را می‌شنوید. سخنان اولیاء را می‌شنوید. واردات و صادرات قلبی! اگر بخواهیم انسان مفیدی باشیم باید واردات و صادرات را کنترل کنیم و دیده‌بان بگذاریم. شخصی نجار بود نزد شیخ رجبعلی خیاط آمد، فرمود: شغلت چیست؟ گفت: نجار هستم. گفت: برای قلبت در درست کردی که هرکسی را راه ندهی؟ پیامبر فرمود: آنچه من می‌بینم شما هم می‌دیدید و آنچه من می‌شنوم شما هم می‌شنوید. کلام اینقدر مؤثر است. گاهی یک جمله زیبا شصت سال انسان را هدایت می‌کند. بدترین دوست کسی است که جرأت نسبت به گناه را با این کلمات به انسان بدهد. «قولاً کریماً» (اسراء/23)، «قولاً مَیسُورا» (اسراء/28) هنر خوب زیستن حدود ندارد. بعضی از کلمات طیب و پاک است و بعضی ناپاک است. کلمات انرژی و بار دارد. من پیشنهاد می‌کنم دوستان روزی یک جمله کوتاه که در کتاب‌های چهل حدیث و نهج‌البلاغه هست را مطالعه کنند، تا شب با این زندگی کنند. ببینند چه صفای خاطری پیدا می‌کنند.

شریعتی: ما در مورد هنر خوب زیستن در آینه کلام نورانی رسول خدا در هفته‌های آتی همراه با حاج آقای لقمانی صحبت خواهیم کرد. کانال سروش برنامه بعد از مدتی وقفه مجدداً فعال شده است. می‌توانید از مطالب و محتوای آن استفاده کنید و بهره‌مند شوید. دعا بفرمایید.

حاج آقای لقمانی: خدایا به حق محمد و آل محمد کم حرف زدن و ذکر شریف سکوت را به همه ما بیاموز. ما را عاقبت بخیر بگردان. تعجیل در فرج جان جانان و امیر آفرینش حضرت مهدی(ع) بگردان. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد(ص).

شریعتی: «السلام علیک یا أبا عبدالله»